

## جرم تبانی علیه امنیت کشور در حقوق ایران

محمد جعفر حبیب‌زاده<sup>۱\*</sup>، مهدی مومنی<sup>۲</sup>

۱- دانشیار گروه حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

پذیرش: ۸۸/۱۱/۱۰

دریافت: ۸۷/۱۱/۶

### چکیده

تبانی علیه امنیت از جمله جرائم مانع محسوب می‌شود و به منظور جلوگیری از ارتکاب جرائم شدیدتر علیه امنیت ملی کشور، جرم‌انگاری شده است. در این مقاله میزان مطابقت مقررات راجع به این بزه را با موازین شرعی و اصول حقوق کیفری بررسی می‌کنیم. از بررسی منابع فقهی از جمله آیات قرآن راجع به مسجد ضرار و قاعده حرمت اعانت بر اثم چنین استنباط می‌شود که اصل جرم‌انگاری تبانی قابل قبول است، اما نمی‌توان آن را مشمول عنوان محاربه دانست.

سیاست جنایی ایران در باب بزه تبانی علیه امنیت از جهات عدیده مخدوش و متشتت است. از جمله این‌که میزان مجازات تعیین شده برای تبانی علیه امنیت از مجازات ارتکاب بسیاری از بزه‌های علیه امنیت کشور بیش‌تر است. این امر به تبانی‌کنندگان جرأت می‌دهد برای استفاده از مجازات خفیف‌تر به ارتکاب اصل جرم مبادرت ورزند. عدم ذکر نمود عینی یا فعل مادی در قانون برای تحقق بزه تبانی علیه امنیت زمینه‌ساز برداشت‌های افراطی و تفریطی از مفهوم و مصداق این بزه است. بازنگری قانونگذار ایران در مقررات ماده ۶۱۰ ق.م.ا. به منظور انطباق با موازین شرعی و اصول حقوق کیفری اجتناب‌ناپذیر است.

**کلیدواژه‌ها:** تبانی، توافق، نمود عینی، امنیت کشور.



## ۱- مقدمه

جرم‌انگاری تبانی علیه امنیت کشور در نظام‌های بزرگ حقوقی دیده می‌شود. انگیزه اساسی دولت‌ها از این امر، حفظ امنیت عمومی و پیشگیری از وقوع جرائم علیه امنیت است. لذا بزه تبانی علیه امنیت کشور در زمره «جرائم مانع» است. بی تردید گسترش بی حد و حصر در جرم‌انگاری اعمال و رفتارهای شهروندان به بهانه پیشگیری از وقوع جرم و تمسک به عنوان «جرم مانع» هرچند در بدو امر با توجیهاتی همراه است، اما پایه‌های اساسی حقوق و عدالت را دچار خدشه می‌سازد. اگر با این مسأله، ابهام قانون کیفری نیز همراه شود، به طوری که معیار مشخصی برای تشخیص جرم از غیر آن در دست نباشد و به جای «نمود عینی» به تراوشات فکری و تاریکخانه ذهن متهم ارجاع داده شود، محلی برای بقای حقوق و آزادی‌های فردی باقی نمی‌ماند. از طرف دیگر، تحمیل مجازات‌های چندگانه برای جرم تبانی علیه امنیت که حداقل و حداکثر آن‌ها غیرقابل مقایسه است، قضیه را پیچیده‌تر می‌سازد. قانونگذار ایران به رغم ایجاد تحول اساسی در نظام کیفری پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به رغم تصریح اصل چهارم قانون اساسی مبنی بر لزوم تبعیت کلیه قوانین و مقررات کیفری از موازین اسلامی، مقررات راجع به بزه تبانی علیه امنیت موجود در قانون مجازات عمومی سابق را بدون تغییر وارد مجموعه قوانین مجازات اسلامی کرده است.

حال آن‌که لازم است بررسی دقیق و محققانه‌ای از حیث انطباق موضوع با موازین اسلامی و استانداردهای بین‌المللی حقوق بشری و معیارهای جرم‌شناختی و حقوق کیفری در این مورد صورت می‌پذیرفت. در باب موضوع مورد تحقیق این سؤالات مطرح است:

- ارزیابی بزه تبانی علیه امنیت در سیستم کیفری ایران از دیدگاه موازین شرعی چگونه است؟

- عدم تبیین عنصر مادی بزه تبانی علیه امنیت چه اثری دارد؟

- چگونه می‌توان ضمن جرم‌شناختن بزه تبانی، از مجازات کردن صرف تفکر مجرمانه اجتناب کرد؟

فرضیه‌های تحقیق عبارت است از:

- به رغم جواز شرعی جرم‌انگاری بزه تبانی، مقررات موجود با موازین شرعی مطابقت کامل ندارد.

- عدم تبیین دقیق عنصر مادی بزه تبانی موجب نقض موازین حقوق بشر کیفری از جمله تفتیش عقیده و مجازات صرف اندیشه می‌گردد.  
- تأکید بر وجود معیار عینی و عملکرد بیرونی، تنها راه منطقی بازشناسی اندیشه مجرمانه از جرم تام تبانی است.

در این مقاله پس از بررسی تطبیقی تعاریف به عمل آمده در سیستم‌های مختلف حقوقی از بزه تبانی علیه امنیت و مطالعه مبانی شرعی موضوع، به بیان عناصر سه‌گانه قانونی، مادی و روانی پرداخته‌ایم و از دیدی نقادانه مجازات این جرم را مورد تحلیل قرار داده‌ایم. نقایص و ضعف‌های مقررات موجود همراه با پیشنهادها و راه‌حل‌ها در نتیجه‌گیری بیان شده است.

## ۲- تعریف و ارکان تشکیل‌دهنده جرم تبانی

### ۲-۱- تعریف

تبانی در لغت از ماده «ب، ن، ی» به معنای با یکدیگر قراری نهادن و بیشتر به معنای تبانی علیه ثالث، مواضعه نهانی، پیمان بستن [۱]، پنهانی پیمان بستن [۲، ص ۱۰۵۹]، مقدمه‌چینی و زمینه‌سازی است [۳، ص ۳۵۲]. معادل انگلیسی آن «conspiracy» است [۴]. در فرهنگ‌های لغت انگلیسی در تعریف conspiracy آورده‌اند:

وقتی گروهی از اشخاص به طور محرمانه برای انجام کار منع شده یا غیر قانونی مانند تبانی برای سرنگونی حکومت [۵] نقشه می‌کشند تبانی واقع شده است؛ یا عمل تبانی کردن، نقشه کشی برای تبانی کردن [۶، ص ۸۵]، تبانی، نقشه‌کشی محرمانه توسط گروهی از اشخاص برای انجام کار غیر قانونی است [۷].

فرهنگ حقوقی «بلک» تبانی را این‌گونه تعریف کرده است: توافق دو یا چند شخص برای ارتکاب یک عمل غیرقانونی، اجتماع با قصد انجام عینی توافق و در بیش‌تر ایالت‌ها در آمریکا فعل یا رفتاری که مسبوق به توافق است، و یا تجمع برای یک هدف غیر قانونی، تبانی تلقی می‌شود.

تبانی مستقل از جرم اصلی که مورد قصد مرتکبین است ارزیابی می‌شود. تبانی با ارتکاب عمل غیرقانونی یا اعراض از توافق پایان می‌پذیرد. عدم دستیابی به جرم مورد توافق موجب زوال تبانی نیست [۸، ص ۳۲۹]. واژه‌های مترادف conspiracy در زبان انگلیسی عبارتند از: plot, cabal, cover-up, intrigue scheme.



علاوه بر واژه مذکور، اسباب‌چینی به هر نوع دسیسه و تقلب یا هر نوع مانور و فعل و انفعال خصمانه برای دگرگون نشان دادن یک حقیقت اطلاق می‌گردد [۹، ص ۱۰]. دسیسه به معنای زمینه‌چینی، مکر و خدعه است، به نحوی که فرد را به صحنه جرم بکشاند تا مرتکب آن شود [۱۰، ص ۲۰۹]. دسیسه به عداوت پنهانی و نیز توطئه و فتنه‌انگیزی معنا شده است [۱۱، ص ۴۵]. همچنین دسیسه هر نوع اقدامی دانسته شده که به فریب صورت مادی و ملموس می‌دهد [۱۲، ص ۶۲]. توطئه از مصادیق اسباب‌چینی دانسته شده است [۹، ص ۱۰]. دسیسه نیز از مصادیق اسباب‌چینی است. اسباب‌چینی فراتر از توافق و یک اقدام بیرونی بوده، ممکن است به صورت کتبی یا شفاهی یا هر نوع عمل مادی دیگر باشد [۹، ص ۱۰].

قلمرو تبانی در سیستم حقوق عرفی وسیع‌تر از سیستم حقوق نوشته است. در حقوق انگلیس تبانی عبارت است از توافق میان حداقل دو نفر برای ارتکاب جرم [۱۳، ص ۲۵]. در حقوق آمریکا، قوانین ایالتی هر یک به تعریفی از تبانی کیفری پرداخته‌اند. مطابق قوانین فلوریدا: تبانی عبارت است از توافق یک یا چند نفر برای ارتکاب هر جرمی. بر اساس قوانین ایالت تگزاس: شخصی مرتکب تبانی کیفری می‌گردد که با قصد ارتکاب جنایت، بایک یا چند نفر موافقت کند جرمی را به انجام رساند و عملی آشکار را پیرو توافق خود بروز دهند [۱۴، ص ۸۶ و ۸۸].

سیستم حقوقی کانادا توافق فرد با دیگری برای ارتکاب عمل غیر قانونی یا انجام عمل قانونی با وسایل غیر قانونی را تبانی کیفری می‌داند (ماده ۲-۴۱۲ قانون جزا) [۱۵، ص ۲۲۱]. قانون مجازات فرانسه در ماده ۲-۴۱۲ تحت عنوان «complot» تصمیم قطعی میان چند شخص به منظور ارتکاب یک سوء قصد را هنگامی که این تصمیم به واسطه یک یا چند عمل مادی نمود یابد دسیسه دانسته است [۱۶، ص ۲۸۱]. حقوق آلمان تشکیل سازمان مجرمانه و یا سازمانی که هدفش ارتکاب جرم است به عنوان تبانی جرم انگاری کرده است [۱۷، ص ۳۲۲]. حقوق هند موارد زیر را تبانی می‌داند: وقتی که دو یا چند نفر توافق کنند که یک عمل غیر قانونی را انجام دهند یا عملی را که غیر قانونی نیست با وسایل غیر قانونی انجام دهند یا سبب انجام آن شوند [۱۸، ص ۴۰۱]. حقوق کیفری سوریه تبانی را به معنای هر توافقی میان دو نفر یا بیشتر برای ارتکاب جنایت با وسایل معین می‌داند [۱۵، ص ۲۱۸]. حقوق کیفری مصر تبانی را توافق جنایی به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور می‌داند [۱۹، ص ۱۳۰].

برخی حقوقدانان ایران بدون توجه به نص ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی و صرفاً با تکیه بر تعاریف مرسوم در سایر سیستم‌ها به بیان تعریف کلی «توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم» بسنده کرده‌اند [۱۵، ص ۲۱۸]. این تعریف جامع و مانع نیست و خصوصیات مورد نظر سیستم کیفری ایران را بیان نمی‌کند.

با عنایت به تعاریف مذکور و ماده ۶۱۰ ق.م.ا. بزه تبانی علیه امنیت ایران را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «توافق عالمانه دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم علیه امنیت یا فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت کشور».

## ۲-۲- رکن قانونی

مطالعه منابع تاریخی نشان می‌دهد، پادشاهان تحت عنوان خیانت، اعمال و رفتار و حالات حاکی از ضدیت و یا توطئه علیه قدرت خود را به شدت مجازات می‌کردند. قانون‌نامه‌های خط میخی که به هزاره سوم و دوم قبل از میلاد تعلق دارد، از جمله قوانین آشوری میانه به زبان اکدی متعلق به قرن ۱۲ قبل از میلاد گویای آن است که خیانت، جرمی علیه پادشاه و شامل اموری از قبیل عهدشکنی می‌شد. پادشاه مجاز به کشتن خائن و مصادره اموال او بود. رامسس سوم پادشاه مصر، توطئه‌کنندگان علیه خود را به خودکشی اجباری محکوم می‌کرد [۲۰، ص ۶۱].

در ایران باستان توطئه علیه تاج و تخت، جرم سیاسی محسوب می‌شد و در دوره هخامنشیان (۵۵۰-۳۳۰ ق.م) شدیدترین مجازات‌ها یعنی اعدام درباره آن اعمال می‌گردید [۲۱، ص ۴۶] سختگیری پادشاهان در خصوص جرائم علیه سلطنت قابل مقایسه با دیگر جرائم نبود، به نحوی که ترک ادب و یا نشستن بر تخت پادشاه مجازات مرگ به دنبال داشت [۲۲، ص ۵۳۲]. مرتکب جرم توطئه و خیانت به شاه را ابتدا مثله می‌کردند، سپس برای ارباب عمومی در شهر می‌گرداندند و بعد اعدام می‌کردند [۲۳، ص ۱۴۸۸]. در حقوق کامن‌لا به صورت سنتی، تبانی برای ارتکاب جرم با تفسیر موسع قضات، جرم بود [۲۴، ص ۲۴]. سابقه این جرم‌انگاری به اوایل قرن چهاردهم میلادی می‌رسد [۱۷، ص ۳۲۲]. در حقوق انگلیس قبل از تصویب قانون حقوق جزای ۱۹۷۷ بزه تبانی مبتنی بر رویه قضایی بوده است [۲۴، ص ۲۴]. از سال ۱۹۷۷ با



تصویب قانون حقوق جزا<sup>۱</sup>، جرم جدید تبانی در قانون موضوعه پیش‌بینی شد. این قانون بخش عمده‌ای از جرم تبانی مبتنی بر رویه قضایی را نسخ کرد. تبانی برای تدلیس یا تبانی برای فاسد کردن اخلاق عمومی و یا جریحه‌دار کردن عفت عمومی کماکان جرم است [۲۵، ص ۸۴]. در حقوق فرانسه ماده ۲-۴۱۲ و ماده ۷۱-۱۳۲، عنصر قانونی بزه تبانی است. در اسناد بین‌المللی، از جمله در مقاله‌نامه ژنو برای مبارزه با جعل اسکناس ۱۹۲۹، مقاله‌نامه ژنو برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر، اساسنامه دادگاه نورنبرگ ۱۹۴۵، اساسنامه دادگاه توکیو ۱۹۴۵، مقاله‌نامه پیشگیری و مجازات جنایات کشتار جمعی ۱۹۴۸، پیش‌نویس قانون جرائم علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۱، اساسنامه دیوان کیفری یوگسلاوی ۱۹۹۳ و اژه تبانی به کار رفته است. اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی ۱۹۹۸ از تبانی نام نبرده است، اما در ماده ۲۵ هر گونه تلاش گروهی برای ارتکاب جنایات، جرم‌انگاری شده است.

در حقوق معاصر ایران، جرم تبانی در ماده ۱۶۸ ق.م.ع. (۱۳۰۴) پیش‌بینی شده بود. براساس این ماده، تبانی برای ارتکاب جنحه یا جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی یا اساس حکومت ملی و آزادی، در کنار تبانی برای ارتکاب جنحه یا جنایت علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم جرم شناخته شده بود. در سال ۱۳۰۷ و اژه تبانی در قانون مجازات اشخاصی که برای بردن مال غیر تبانی می‌کنند، به کار رفت. در ماده ۱۰۸ قانون ثبت اسناد و املاک (مصوب ۱۳۱۰) تبانی امین در ثبت ملک غیر، جرم‌انگاری شد. در سال ۱۳۱۰ به منظور سرکوب مخالفین و منتقدین حکومت، رضاخان اقدام به تصویب «قانون مجازات مقدمین علیه امنیت و استقلال مملکت» کرد. این قانون به «قانون سیاه» معروف بود و به استناد آن، افراد متعددی به اتهام داشتن عقاید اشتراکی یا عضویت در دستجات مخالف سلطنت یا تبلیغ علیه سلطنت مورد تعقیب و مجازات مرگ قرار گرفتند [۲۱، ص ۴۰۳]. مقنن ایرانی در سال ۱۳۳۶ تبانی برای سابوتاژ<sup>۲</sup> (خرابکاری، عملیات تخریبی) را جرم‌انگاری کرد. براساس ماده ۱۵ قانون راجع به مجازات اخلاگران در صنایع نفت ایران، صرف تبانی جمعیتی بیش از ۳ نفر برای ارتکاب ایجاد حریق در چاه‌های نفت یا مراکز صنعتی نفتی جرم شناخته شد. به موجب ماده ۱۴ این قانون، هرگاه جرائم موضوع این قانون به وسیله تبانی انجام شود، رؤسا و آمرین به حداکثر مجازات قانونی محکوم خواهند شد. در سال ۱۳۳۸ طی ماده واحده قانون

1. Criminal law Act 1977  
2. Sabotage

تشدید مجازات سرقت مسلحانه، برای حمله مسلحانه به بانک‌ها و صرافی‌ها و جواهرفروشی‌ها با اجتماع و مواضعه قبلی مجازات اعدام در نظر گرفته شد. در سال ۱۳۵۳ دامنه شمول قانون جرائم علیه صنعت نفت به سایر صنایع و واحدهای عمده صنعتی از جمله ذوب آهن، ماشین‌سازی، هلی‌کوپترسازی، معادن، و فرودگاه‌های کشور تسری یافت. مطابق ماده ۴ قانون مجازات اخلاک‌گران در صنایع، جرائمی از قبیل آتش زدن یا انهدام یا جاسازی مواد منفجره در واحدهای صنعتی فوق، چنانچه در اثر تبانی و مواضعه بین دو یا چند نفر واقع شود، موجب محکومیت هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات آن جرم خواهد شد. چنانچه گروه، تشکیل شده باشد، ولی جرم واقع نشده باشد، هریک از محرکین و سردسته‌های جمعیت به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود. پس از انقلاب اسلامی، بزه تبانی در ماده ۸۸ قانون تعزیرات (۱۳۶۲)<sup>۱</sup> پیش‌بینی شد که با تغییراتی همان محتوای ماده ۱۶۸ ق.م.ع. سال ۱۳۰۴ بود و به همان سان تبانی علیه امنیت در کنار تبانی علیه اشخاص در یک ماده قانونی مورد حکم قرار گرفت. در ماده ۱ همان قانون، صورت خاصی از تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت خارجی و در ماده ۱۱ مصداقی از تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت نیز جرم‌انگاری شد. در ماده ۱۹۹ و ۲۰۰ قانون حدود و قصاص (۱۳۶۱) نیز موارد خاصی از بزه تبانی علیه امنیت مورد حکم قرار گرفت. قانونگذار در قانون مجازات اسلامی (۱۳۷۵) بزه تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت کشور را از بزه تبانی برای ارتکاب جرائم عمومی علیه اشخاص عادی تفکیک کرد و ماده ۶۱۰ را به قسم اول و ماده ۶۱۱ را به قسم دوم اختصاص داد. در سال ۱۳۸۲ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، به جرم‌انگاری مواردی از تبانی توسط نیروهای مسلح پرداخت. ماده ۱۷ این قانون طراحی برای براندازی نظام جمهوری اسلامی، تشکیل یا اداره کردن جمعیتی به این منظور، و عضویت یا معاونت در این جمعیت را از سوی اشخاص نظامی، محاربه دانسته است. ماده ۱۹ این قانون تشکیل جمعیتی با بیش از دو نفر به منظور برهم زدن امنیت کشور را جرم و در صورت عدم صدق محاربه، مستلزم مجازات حبس تا ۵ سال دانسته است. در ماده ۲۱ تبانی نظامیان با دشمن به منظور براندازی، در ماده ۳۳ ترمد دسته‌جمعی و با تبانی، در ماده ۴۳ ترک نهبانی در اثر تبانی، در ماده ۷۴ فرار بیش از دو نفر از خدمت با تبانی و در ماده ۱۱۰ تبانی نظامیان

۱. براساس این ماده: «هرگاه دوف نفر یا بیشترتر اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی برضد امنیت داخلی یا خارجی کشور مرتکب شوند و یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به ۲ تا ۵ سال حبس محکوم خواهند شد.»



در معاملات مربوط به نیروهای مسلح جرم‌انگاری شده است. در حال حاضر، رکن قانونی بزه تبانی علیه امنیت کشور ایران، ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ است. ماده ۱۴ و ۱۵ قانون راجع به مجازات اخلاک‌گران در صنایع نفت ایران مصوب ۱۳۳۶ و ماده واحده قانون تشدید مجازات سرقت مسلحانه مصوب ۱۳۳۸ و ماده ۴ قانون مجازات اخلاک‌گران در صنایع، مصادیقی خاص از بزه تبانی علیه امنیت را بیان کرده‌اند. درخصوص جرائم علیه امنیت توسط نیروهای مسلح به لحاظ اهمیت موضوع، قانونگذار احکام خاصی در مواد مختلف قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح پیش‌بینی کرده است که در صورت تحقق شرایط مندرج در مقررات مذکور، مطابق آن عمل خواهد شد.<sup>۱</sup>

ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی، عنصر قانونی تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اشخاص عادی است. در مواد ۵۴۹-۶۷۲ ق.م.ا. نیز واژه تبانی به کار رفته است. در ماده نخست، تبانی برای فرار زندانی و در ماده دوم تبانی مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی تاجر، مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. در رویه قضایی ایران تا جایی که تحقیق به عمل آمد، رأی وحدت رویه و حتی رأی اصراری در باب تبانی صادر نشده است. در مجموعه‌های نظرهای مشورتی اداره حقوقی دادگستری نیز در باب بزه تبانی نظری ملاحظه نشد.

آرای صادره از سوی دادگاه انقلاب در باب تبانی علیه امنیت و یا دادگاه بدوی و تجدید نظر در باب تبانی علیه اشخاص عادی بسیار ناچیز است که به رغم تلاش به موردی دسترسی نیافتیم. ظاهراً مراجع قضایی ایران، اعم از مراجع عالی و مراجع تالی با تکیه بر قواعد و اصول حاکم بر حقوق کیفری اسلام به نوعی از صدور حکم محکومیت کیفری برای افراد، تحت عنوان تبانی امتناع می‌ورزند؛ به طوری که اگر فرد، مرتکب جرم علیه امنیت شود به مجازات همان جرم محکوم می‌گردد و در صورت عدم ارتکاب جرم علیه امنیت، محاکم تمایل به اعلام برائت<sup>۲</sup> وی دارند.

این نحوه رویکرد محاکم و عدم تطبیق کامل آن با موازین کلی حقوق کیفری اسلام، گویای این پیام است که بازنگری در نحوه جرم‌انگاری و ترسیم قلمرو بزه تبانی ضروری است؛ زیرا

۱. ماده ۱۷ (طراحی براندازی نظام جمهوری اسلامی، تشکیل یا اداره کردن جمعیتی به این منظور، عضویت یا معاونت در این جمعیت) و ماده ۱۹ (تشکیل جمعیتی به منظور بر هم زدن امنیت کشور) و ماده ۲۱ (تبانی با دشمن به منظور براندازی) و ماده ۳۳ (تبانی و سرپیچی از فرماندهان) و ماده ۴۲ (ترک نگهداری در اثر تبانی با دشمن) و ماده ۷۴ (فرار بیش از ۲ نفر از خدمت با تبانی) و ماده ۱۱۰ (تبانی در معاملات و مناقصه‌ها و مزایده‌های مربوط به نیروهای مسلح) قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح (۱۳۸۲) رکن قانونی جرم تبانی علیه امنیت از سوی نیروهای مسلح محسوب می‌شود.

2. Innocence



در فقه اسلامی صرف قصد ارتکاب جرم قابل مجازات نیست [۲۶، ص ۹۴]. مطابق نظر شیخ انصاری در رسائل، تجری قابل کیفر نیست [۲۷، ص ۱۷۹]. بنابراین از دیدگاه فقه امامیه، صرف اندیشه ارتکاب جرم و طراحی و مهیا کردن وسیله ارتکاب جرم، مادام که منجر به وقوع جرم نشود، قابل مجازات نیست<sup>۱</sup> [۲۷، ص ۱۷۹]. فقهای اهل سنت «تمالو» و توافق بر ارتکاب جرم را معصیت می‌دانند. «تمالو» توافق قلبی برای ارتکاب جرم است و چنانچه جرم واقع شود همه آنها مسؤول هستند. ابوحنیفه و شافعی، تمالو را جرم نمی‌دانند [۲۸، ص ۱۰۶ و ۱۱۱].

روایات مربوط به وسوسه جرم و حدیث نفس منصرف از انجام توافق دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم است. بنابراین، صرف استناد به آنها وافی به مقصود نیست. لذا ضروری به نظر می‌رسد موارد مرتبط دیگر در منابع فقهی از جمله قضیه مسجد ضرار و قاعده حرمت اعانت بر اثم و نیز بحث اصولی مقدمه حرام (سد ذرایع) مورد دقت قرار گیرند.

در ماجرای مسجد ضرار، یک گروه ۱۳ نفری به سرکردگی ابوعامر (پدر حنظله غسیل الملائکه که در جنگ حنین با پیامبر (ص) جنگید) با تبنانی و توافق یکدیگر پایگاهی برای ضربه زدن به اسلام و شیوع کفر و ایجاد تفرقه بین مؤمنین ایجاد کردند، اما قبل از عملی شدن نقشه و اجرای توطئه، پیامبر (ص) مقرر آنها را منهدم کرد [۲۹، ص ۶۳۴]. سؤالی که مطرح شد این بود که چرا خداوند آنها را محارب ندانست و صرفاً دروغگو دانست و این‌که رفتار پیامبر با این توطئه‌کنندگان چه بوده است؟

خداوند در سوره توبه (آیه ۱۰۷ و ۱۰۸) می‌فرماید: «کسانی هستند که برای زیان رساندن و کفر و تفرقه‌افکندن بین مؤمنان و کمینگاه ساختن برای کسی که پیش از این با خداوند و رسولش جنگ کرده است مسجدی ساخته‌اند و سوگند می‌خورند که جز نیکی مرادی نداشته‌ایم. خداوند گواهی می‌دهد که آنان دروغگو هستند. هرگز در آن (به نماز) نایست». ضرار به معنای ضرر رساندن و ارساد یعنی کمین گرفتن و در انتظار حمله نشستن است. مقصود این گروه از ساختن مسجد، ایجاد تفرقه میان مؤمنین بود تا با داشتن پایگاه علیه خدا و رسولش کمین گرفته، به مسلمانان ضرر بزنند و کفر را ترویج کنند. به طور مسلم اغراض مذکور مربوط به اشخاص معینی بوده و آیه راجع به یک داستان و واقعه خارجی نازل شده است [۳۰، ص

۱. مستند این بحث حدیث نبوی رفع و اصل برائت است. برای بررسی تفصیلی رک: حجتی بروجردی، بهاء‌الدین، الحاشیه علی کفایه الاصول، ج ۲، قم، صدر، ۱۴۱۲، ص ۲۰۲.



۵۳۰]. واژه «کفرًا»، بیانگر قصد بد آن‌ها در بنای مسجد است و خدای تعالی اقدام آن‌ها را کفر و مخالفت با رسول... شمرد [۳۱، ص ۲۱۲].

پیامبر به چهار نفر از مسلمانان دستور داد آن ساختمان را ویران کنند و بسوزانند [۳۲، ص ۲۰۵]. از قضیه مسجد ضرار نتایج زیر قابل استنباط است:

۱. انجام توطئه علیه مصالح بنیادین و تمامیت جامعه اسلامی، هرچند با جرم عینی خاصی همراه نباشد حرام است.

۲. مجازات تبانی در قرآن، محاربه تعیین نشده و لذا بنا بر اصول کلی و حرمت عمل به عنوان جرم تعزیری قابل مجازات است.

۳. اقدام تأمینی عینی (نسبت به وسیله مجرمانه) پذیرفته شده است.

همچنین براساس قاعده حرمت اعانت بر اثم، تعاون، همکاری و مساعدت بر انجام گناه، مورد نهی شارع مقدس است. اثم به معنای مخالفت با امر خداوند است. انجام اموری چون تحریک، ترغیب و مانند آن که در واقع نوعی همکاری فکری و معنوی است، اعانه محسوب می‌شود [۳۳، ص ۱۷۹]. بنا به عقیده شیخ انصاری و صاحب جواهر، اعانت بر اثم حتی اگر جرم توسط مباشر به وقوع نپیوندد قابل مجازات است. مبنای مجازات از دید شیخ انصاری، اعانت بر اثم و از نظر صاحب جواهر، قصد ایجاد معصیت و تجری است [۳۳، ص ۱۹۱]. آیه دوم سوره مائده و روایات متعدد [ ۴، ج ۱۹ باب قصاص، حدیث ۴؛ ۳۵، ج ۷۲، ص ۳۶۲؛ ۳۶، ج ۳، ص ۵۵] و عقل و اجماع به عنوان مستندات قاعده مطرح شده است [۳۳، ص ۱۷۸]. از آنجا که تبانی به معنای موافقت و همراهی و متضمن تشویق و تحریک و آماده‌سازی فرد یا افراد دیگر برای ارتکاب جرم است و مصادیق اعانت بر اثم نیز حصری نیست، بلکه عرفی است، بنابراین، تبانی مصداق اعانت بر اثم تلقی می‌گردد. با انجام تبانی و توافق هریک از تبانی‌کنندگان عملاً دیگری را در تصمیم‌گیری بر ارتکاب جرم مصمم و قاطع و جازم می‌سازد [۱۳، ص ۲۵]. بنابراین می‌توان مطابق قاعده حرمت اعانت بر اثم، تبانی را حرام شرعی تلقی کرد.

در مورد تسری ممنوعیت جرم به مقدمه آن که در بین اصولیین شیعه به عنوان مقدمه حرام و در میان اهل سنت به نام سد ذرایع مشهور است. قابل توجه است که ذریعه یعنی وسیله و در اصطلاح به مقدمات و اسباب کار می‌گویند. به عقیده امامیه، مقدمه حرام لزوماً حرام نیست، مگر آن‌که مقدمه به عنوان شرط آخر و مکمل باشد، به نحوی که لزوماً عمل حرام به وقوع پیوندد [۳۷، ص

۲۲۶؛ ۳۸، ج ۱، ص ۲۰۳؛ ۳۹، ص ۱۶۶].

حنفیه و شافعیه مخالف و مالکیه و حنابله موافق سد ذرایع هستند [۴۰، ص ۲۱۴۸]. جرم‌انگاری مقدمه‌ای که لزوماً به وقوع جرم می‌انجامد، از دیدگاه جرم‌شناسی موجه است. مبنای جرم‌انگاری جرائم مانع نیز همین است. بنابراین اصولاً می‌توان قاعده سد ذرایع (مقدمه حرام) را یکی از مبانی شرعی جرم‌انگاری بزه تبانی علیه امنیت محسوب کرد.

### ۲-۳- رکن مادی

رکن مادی، دومین رکن تشکیل‌دهنده جرم است. عنصر اصلی رکن مادی، رفتار مجرمانه است که گاه به صورت فعل و گاه در شکل ترک فعل محقق می‌شود. در این قسمت، عناصر رکن مادی جرم تبانی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

### ۲-۳-۱- رفتار مجرمانه

در بزه تبانی، رفتار مجرمانه ایجابی است؛ یعنی با انجام فعل مثبت، محقق می‌شود. در نظام انگلوساکسون توافق عنصر اساسی بزه تبانی شمرده می‌شود.<sup>۱</sup> منظور از توافق، تلاقی ذهن‌ها است و نیازی به ملاقات جسمی میان مرتکبین نیست. البته صرف مذاکره به معنای توافق نیست، بلکه حصول توافق اساسی برای تحقق بزه کافی است و مذاکره در جزئیات برای تحقق آن شرط نیست [۴۱، ص ۴۱۲]. در این سیستم، صرف توافق و نقشه‌کشی بدون عمل عینی و بیرونی برای جرم کفایت می‌کند و نیازی به عملی کردن نقشه نیست [۴۲، ص ۱۹۵]. حقوق کیفری آمریکا در برخی ایالت‌ها بر خلاف سیستم حقوقی انگلیس، نیاز به یک عمل خارجی را مطرح کرده است؛ یعنی توافق باید با یک عمل عینی و خارجی همراه باشد [۱۴، ص ۸۶]. بدیهی است نحوه و شیوه توافق مهم نیست و توافق از طریق تلفن، ایمیل، فکس و اس.ام.اس. نیز مصداق توافق است. در ماده ۷۱-۱۳۲ و ماده ۲-۴۱۲ قانون مجازات فرانسه، تظاهر تبانی به واسطه یک یا چند عمل مادی شرط است.

تحلیل بزه تبانی به‌ویژه در حقوق و رویه قضایی ایران به‌خوبی صورت پذیرفته است.

---

1. Agreement is the basic element in conspiracy



بدین امر باید کمبود جدی دکترین و نظریه‌پردازی و تفسیر علمی در این باب را بیفزاییم. برخی گفته‌اند اساساً تفکیک بین رکن مادی و روانی تبانی آسان نیست، زیرا رکن مادی تبانی، توافق است که در واقع یک عملکرد ذهنی است [۱۵، ص ۲۲۱]. به نظر می‌رسد این برداشت صحیح نیست. خلط رفتار مجرمانه و قصد مجرمانه در یک جرم، مخالف اصول اساسی و اولیه حقوق کیفری عمومی است [۴۱، ص ۴۱۲].

در زمینه تفسیر شق دوم ماده ۶۱۰ سه برداشت می‌تواند مطرح گردد:

برداشت اول: اگر بگوییم «تبانی نمایند برای فراهم کردن وسیله ارتکاب جرم علیه امنیت»، لازم می‌آید که بگوییم مقنن کاری لغو و بیهوده انجام داده و نیازی به تفکیک نبوده چون تبانی برای فراهم کردن وسیله ارتکاب جرم، داخل در تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت قرار می‌گیرد. برداشت دوم: اگر بگوییم اساساً فراهم کردن وسیله ارتکاب جرم علیه امنیت بدون شرط اجتماع و تبانی، منظور بوده است، صحیح نیست؛ زیرا اولاً عنوان مندرج در قانون بزه تبانی است؛ ثانیاً صدر ماده شرط وجود اجتماع و تبانی دو یا چند نفر را تصریح کرده است؛ ثالثاً لفظ «فراهم نمایند» و ضمیر اشاره «آن»، مشخص می‌سازد که مرجع این قسمت از ماده، صدر ماده است، یعنی همان دو یا چند نفری که اجتماع و تبانی می‌کنند تا وسایل ارتکاب جرم را فراهم کنند. ضمیر آن، نیز به جرائم علیه امنیت کشور برمی‌گردد. اگر شق دوم را بدون ملاحظه صدر ماده تحلیل کنیم لازم می‌آید که هر تهیه وسیله ارتکاب جرم علیه امنیت ولو انفرادی مشمول ماده ۶۱۰ گردد؛ درحالی که با عنوان صدر ماده سازگار نیست.

برداشت سوم: رفتاری که مجرم در بزه تبانی علیه امنیت ایران باید انجام بدهد، براساس

ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی عبارت است از:

۱. تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ایران، و یا

۲. فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت در اثر تبانی.

درخصوص شق اول ماده ۶۱۰ با توجه به ظاهر قانون، صرفاً تبانی اصحاب جرم برای تحقق رفتار مجرمانه کفایت می‌کند. البته اثبات صرف توافق در عمل امری مشکل است و به همین دلیل، قوانین بسیاری از کشورها برای اثبات تبانی، اقدام عینی را شرط دانسته‌اند. در حقوق اسلام بر عدم مجازات نیت گناه و جرم تأکید شده است. عرفاً نیز کسانی که در مقام ارتکاب این جرم قرار دارند به صرف گفتگو اکتفا نمی‌کنند، بلکه به اقداماتی از قبیل صحنه‌سازی و ایجاد تشکیلات و

تعیین دستورالعمل مبادرت می‌ورزند. اما درخصوص شق دوم ماده ۶۱۰، تبانی به اضافه فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم، رفتار مجرمانه این قسم از بزه تبانی علیه امنیت ایران است. فایده عملی و اثر حقوقی این تفکیک آن است که چنانچه دو نفر برای فراهم کردن وسیله‌ای تبانی کنند، ولی وسیله را فراهم نکنند، اقدامشان مشمول ماده ۶۱۰ نخواهد بود. درحالی که درخصوص شق اول ماده، صرف تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ایران کافی است. ممکن است در مقام مخالفت با این عقیده گفته شود صرف تبانی برای فراهم کردن وسایل ارتکاب جرم، تبانی برای اقدام علیه امنیت است، در حالی که آنچه در قانون جرم‌انگاری شده، تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت است؛ مثلاً تبانی برای تحریک به جنگ داخلی، خرابکاری به قصد براندازی حکومت، استفاده از سلاح برای برهم زدن امنیت، قیام مسلحانه علیه حکومت، و سوء قصد به جان مقامات سیاسی. تبانی برای ارتکاب جرائم بالا، مصداق تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت است. اگر دو نفر توافق کنند که طی سخنرانی و برگزاری گردهمایی مردم را به جنگ داخلی تحریک کنند، اقدامشان می‌تواند مشمول ماده ۶۱۰ باشد. اما اگر دو نفر تبانی کنند وسایل اجرای این گردهمایی را تهیه و فراهم کنند، مثلاً تبانی کنند که چند دستگاه ماشین و فضای برگزاری و سایر ملزومات را فراهم آورند، اما موفق به فراهم کردن این وسایل نشوند، اقدامشان مشمول ماده ۶۱۰ نیست؛ زیرا رفتار مجرمانه شق دوم ماده ۶۱۰ عبارت است از تبانی همراه با فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت. بنا به مراتب بالا لازم می‌آید بگوییم «هر گاه دو یا چند نفر اجتماع و تبانی کنند (و) وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت کشور را فراهم آورند محکوم خواهند شد». حرف عطف «و» قبل از وسایل در تقدیر است؛ زیرا اگر در تقدیر بودن آن را نپذیریم نظر اول و دوم لازم می‌آید که مردود بودن آن محرز شد. رفتار مجرمانه جرم مذکور در شق اول ماده ۶۱۰ تبانی و توافق بین دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم علیه امنیت است؛ اما رفتار مجرمانه جرم مذکور در شق دوم این ماده عبارت است از تبانی و فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت ایران. بدیهی است تبانی در شق دوم، توافق برای ارتکاب جرم علیه امنیت ایران نیست، بلکه توافق در فراهم کردن وسایل ارتکاب جرم توسط دیگری علیه امنیت ایران است. این عقیده معایب دیدگاه اول و دوم را ندارد و مقنن را از عبث بودن طرح شق دوم مبری می‌سازد. با کمی دقت مشخص می‌شود در شق دوم، نقش مرتکبین در صدمه زدن به امنیت ایران نقش مستقیم نیست، بلکه نقش واسطه‌ای فرعی و غیرمستقیم دارند. به همین دلیل، قانونگذار درخصوص آن‌ها صرف تبانی را کافی



ندانسته، بلکه شرط فراهم ساختن وسایل ارتکاب جرم را قید کرده است. بدین ترتیب، شق اول ماده ۶۱۰ ق.م.ا. جرم مطلق و شق دوم آن، جرم مقید است. قاعده تفسیر به نفع متهم، قاعده تفسیر مضیق، و قاعده دراء مؤید و مبنای این عقیده است. قید شرط تبانی دو نفر یا بیش‌تر در صدر ماده ۶۱۰ و تعبیر «فراهم نمایند»، در شق اخیر آن بیانگر آن است که تهیه وسیله را باید دو نفر یا چند نفر انجام دهند و این کار باید جمعی و مبتنی بر تبانی قبلی صورت گیرد. بنابراین، تحقق اجتماع و تبانی در شق دوم ماده ۶۱۰ نیز شرط ضروری برای وقوع این بزه است. بدیهی است فراهم‌سازی وسیله ارتکاب جرم منهای تبانی با دیگری و به صورت فردی مشمول بحث معاونت در جرم (بند ۲ ماده ۴۳) و مجازات آن براساس ماده ۷۲۶ قانون مجازات اسلامی خواهد بود. قابل ذکر است ماده ۶۶۴ قانون مجازات اسلامی نسبت به ماده ۶۱۰ عام محسوب شده، درخصوص فراهم ساختن وسایل برای ارتکاب جرائم علیه امنیت، این ماده، آن را تخصیص می‌زند.

درخصوص قسمت آخر ماده ۶۱۰ باید گفت چنانچه عمل تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت ایران در قانون عنوان محاربه یا در حکم آن را داشته باشد، مرتکبین به مجازات محاربه موضوع ماده ۱۹۰ ق.م.ا. محکوم می‌گردند. بدیهی است با توجه به اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها، محکومیت مرتکبین تبانی به مجازات محاربه، نیازمند نص و تصریح قانون است؛ یعنی لازم است قانون، نوع خاصی از تبانی را مصداق جرم محاربه دانسته باشد و در غیر این صورت اگر برای قاضی چنین نقشی قائل باشیم برخلاف اصل تفکیک قوا و اصل قانونی بودن جرائم و مجازات‌ها عمل کرده‌ایم که ناصواب بودن این روش مستغنی از توضیح است. بنابراین، مطابق اصول کلی، در صورت عدم نص قانونی، قاضی کیفری مکلف به صدور حکم برائت در این خصوص است [۴۳؛ ص ۲۰]. مواد ۱۸۷ و ۱۸۸ بیانگر مصادیقی از محاربه‌اند که این جرائم نوعاً بر اثر تبانی واقع می‌شوند.

## ۲-۳-۲- موضوع جرم

منظور از موضوع جرم، ارزش مورد حمایت مقنن است که نقض آن، ضمانت اجرای کیفری دارد. موضوع جرم تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، امنیت کشور است.<sup>۱</sup> هابز می‌گوید: «امنیت برای رهایی مردم از ترس دائمی از مرگ و ابتلائات

1. Security of state

فیزیکی و جسمی است» [۴۴، ج ۳، ص ۶۶۸]. جان لاک مفهوم دایره امنیت را توسعه بیش‌تری می‌دهد و معتقد است: «مقصود از امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم، بلکه منظور واجد بودن رفاه و آسایش می‌باشد که حق طبیعی ماست و وظیفه مؤسسات دولتی است که آن‌ها را تحصیل و نگاهداری کنند» [۴۴، ج ۳، ص ۶۶۸]. منتسکیو معتقد است: «چون امنیت، نتیجه صلح و صلح اولین قانون طبیعت است لذا بزرگ‌ترین اصل در حکومت، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت تنها حفظ حیات نیست، بلکه تأمین آزادی است» [۴۴، ج ۳، ص ۶۹۳].

با توسعه جوامع انسانی، مفهوم امنیت نیز دچار تحول و توسعه گردیده است؛ به‌طوری‌که امروزه از امنیت یک کشور به عنوان حیاتی‌ترین منافع آن تعبیر می‌شود [۴۵، ص ۹۰]. بنابراین، رهایی از ترس از مرگ و ابتلائات، در رفاه بودن، صلح و آزادی را از مصادیق امنیت دانسته‌اند. امنیت را می‌توان به معنای مصونیت، اطمینان به بقا و حفظ حقوق، و حفظ موقعیت حقوق مکتسبه دانست. از نظر اصطلاحی و در دکترین حقوقی، جرائم علیه امنیت را به دو دسته داخلی و خارجی تقسیم کرده‌اند. برخی این نحوه تفکیک را غیر علمی و فاقد فایده عملی می‌دانند؛ زیرا به هر حال آنچه صدمه می‌خورد همان امنیت کشور است و محل انجام این اقدامات نباید ملاک تفکیک قرارگیرد [۹، ص ۵]. به نظر می‌رسد با عنایت به آثار حقوقی مترتب بر این تقسیم‌بندی از جمله در باب صلاحیت، پذیرش آن ارجحیت دارد. جرائم علیه امنیت خارجی کلیه جرائمی هستند که به نحوی در تیره‌سازی روابط ایران با کشور دیگری موثر واقع می‌شوند و یا دولت بیگانه را به رموز و اسرار کار دولت ایران آشنا می‌سازند [۴۶، ص ۱۲۶].

جرائم علیه امنیت داخلی، جرائمی هستند که به قصد برهم‌زدن امنیت و اختلال در نظم عمومی یا تخریب مراکز دولتی و نظامی یا خرابکاری در تأسیسات عام‌المنفعه دولتی یا صدمه زدن به جان مسئولین سیاسی کشور و ضدیت با دولت و اسقاط آن صورت می‌گیرند. این جرائم غالباً بدون توسل به قدرت‌های خارجی صورت می‌گیرند. در قوانین کیفری ایران، جرائم علیه امنیت گاه تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض مستلزم حد واقع می‌شوند و گاه مشمول مجازات تعزیری هستند [۴۷، ج ۱، ص ۳۹۱]. جرائم علیه امنیت داخلی و جرائم علیه امنیت خارجی و اقدام علیه حکومت و تمامیت ارضی و استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران، مذکور در بند ۱ ماده ۵ قانون مجازات اسلامی، همگی تحت عنوان کلی «جرائم علیه تمامیت سیاسی» کشور قرار می‌گیرند. مقصود از این جرائم، جرائمی است که ضرر و



لطمه آن مستقیماً متوجه مصالح عالی مملکت و تمامیت سازمان‌های سیاسی و استقلال کشور می‌گردد [۴۸، ص ۲۱۶].

### ۲-۳-۳- وسیله مجرمانه

تأثیر وسیله در جرائم مختلف متفاوت است. گاه هیچ نقشی از حیث تحقق ماهیت جرم و یا میزان مجازات ندارد و گاه تنها در میزان مجازات مؤثر است و گاه در تحقق ماهیت جرم نقش دارد [۴۹، ص ۴۲؛ ۱۲، ص ۶۵]. بزه تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت به‌خودی‌خود نیازمند وسیله خاصی نیست، بلکه توافق می‌تواند کتبی، شفاهی و یا هر نوع عمل مادی باشد. این توافق می‌تواند با واسطه یا بی‌واسطه حاصل گردد. در حقوق انگلیس دو نوع توافق چرخشی و زنجیره‌ای را بیان می‌کنند [۵۰، ص ۲۷].

- تبانی چرخشی<sup>۱</sup>: یک نفر به عنوان رهبر گروه با سایر افراد در تماس است و توافق آن‌ها را برای جرم مورد نظر جلب می‌کند. در این روش، تک تک افراد با هم تماس ندارند.  
- تبانی زنجیره‌ای<sup>۲</sup>: افراد تبانی‌کننده به صورت زنجیره‌ای و دو به دو با هم در ارتباطند و توافق را تشکیل می‌دهند.

در باب وسیله مجرمانه این نکته قابل ذکر است که گاه ممکن است استفاده از وسیله‌ای خاص، آثار حقوقی ویژه‌ای در باب صلاحیت به بار آورد. مثلاً استفاده از ماهواره بین‌المللی برای حصول توافق می‌تواند در خصوص تشخیص محل وقوع جرم مؤثر واقع شود و این امر در باب صلاحیت کیفری نتایجی ایجاد کند.

### ۲-۳-۴- نتیجه مجرمانه<sup>۳</sup>

جرم تبانی علیه امنیت، یک جرم مانع است؛ زیرا هدف مقنن جلوگیری از ارتکاب اصل جرم علیه امنیت است. همچنین یک جرم مطلق است، زیرا صرف‌نظر از آن‌که نتیجه خاصی از اقدامات تبانی‌کنندگان واقع شود، بزه مزبور به صورت کامل تحقق می‌یابد. در خصوص شق دوم ماده ۶۱۰ فراهم ساختن وسیله ارتکاب جرم، نتیجه مجرمانه نیست، بلکه جزء رفتار

1. Wheel conspiracy  
2. Chain conspiracy  
3. Result of crime



مجرمانه است. همین که دو نفر بر اثر تبانی وسایل ارتکاب جرم علیه امنیت را فراهم سازند، مشمول شق دوم ماده ۶۱۰ می‌شوند، خواه دیگری یا دیگران از آن وسایل در تحقق جرائم علیه امنیت استفاده کنند یا نه. بر این اساس، بحث رابطه سببیت هم منتفی است.

### ۲-۳-۵- زمان و مکان وقوع جرم

در بزه تبانی علیه امنیت اصولاً زمان در قضیه مؤثر نیست. با وجود این چنانچه وقوع جرم در زمان جنگ باشد موجب تشدید میزان مجازات خواهد بود. از جمله ماده ۴۳ قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح ۱۳۸۲ در این مورد قابل توجه است.

در صورت وقوع بزه در داخل ایران براساس اصل صلاحیت سرزمینی<sup>۱</sup>، رسیدگی به موضوع مطابق ماده ۳ ق.م.ا. در صلاحیت محاکم ایران قرار می‌گیرد و در صورتی که جرم در خارج از قلمرو حاکمیت ایران رخ داده باشد، مستند به بند ۱ ماده ۵ ق.م.ا. و مطابق اصل صلاحیت واقعی<sup>۲</sup>، موضوع در صلاحیت محاکم ایران قرار دارد.

### ۲-۳-۶- شخصیت بزهکار<sup>۳</sup>

در بزه تبانی علیه امنیت کشور اصولاً شخصیت بزهکار غیرمؤثر است، مگر در مصادیقی از تبانی، مانند برخی موارد مشمول قانون جرائم نیروهای مسلح که نظامی بودن، موجب تشدید مجازات مرتکب می‌گردد.

### ۲-۴- رکن روانی<sup>۴</sup>

رکن روانی یا حالت ذهنی مرتکب، که به عنوان رکن سوم جرم از آن یاد می‌کنند، از لحاظ شکل‌گیری در مرتبه مقدم بر رکن مادی قرار دارد. در واقع، رکن روانی جرم، قصد نقض قاعده کیفری است. وقتی قانون یک عمل یا ترک عمل را نهی و برای آن کیفر مقرر کرد قصد نقض این قانون، رکن روانی جرم را تشکیل می‌دهد.

سوء نیت یا قصد جنایی، رکن روانی جرائم عمدی است و به دو قسمت تقسیم می‌شود:

1. Territorial jurisdiction
2. Protectional jurisdiction
3. Criminal
4. Mens rea

۱) سوء نیت عام که همان قصد ارتکاب رفتار مجرمانه و قصد فعل و تعلق اراده به آن است؛  
۲) سوء نیت خاص که اراده مرتکب به نتیجه مجرمانه یا منظور بعدی مرتکب از فعل و آگاهی به اوضاع و احوال قضیه است [۵۰، ص ۱۹]. در بزه تبانی علیه امنیت آنچه رکن روانی را شکل می‌دهد توافق برای ارتکاب جرم علیه امنیت کشور است.

اصولاً چنانچه دو یا چند نفر اجتماع و توافق کنند که مرتکب جرمی علیه امنیت کشور شوند، رکن روانی بزه تبانی علیه امنیت کشور تحقق یافته است. در بزه تبانی علیه امنیت کشور، قصد توافق، سوء نیت عام و قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور، سوء نیت خاص است. سوء نیت خاص از انگیزه مجزا است. به نظر می‌رسد نکته جالب توجه در باب عنصر روانی بزه تبانی آن است که مرتکبین از ابتدا نباید قصد صرف تبانی را داشته باشند، بلکه لازم است قصد ارتکاب اصل جرم علیه امنیت کشور را دارا باشند. در جرم تبانی علیه امنیت، انگیزه هم‌اخلال در امنیت کشور است. اصولاً انگیزه در تحقق رکن روانی بی‌تأثیر است، یعنی بدون انگیزه می‌توان رکن روانی جرم را تحلیل کرد، در حالی که در بزه تبانی علیه امنیت کشور اگر قصد ارتکاب جرم علیه امنیت را برداریم، نمی‌توانیم عنصر روانی این جرم را تحلیل کنیم، چرا که هر توافقی بزه تبانی علیه امنیت کشور نیست. بنابراین، صرف قصد توافق برای تحقق رکن روانی بزه تبانی علیه امنیت کشور کافی نیست، بلکه لازم است توافق، به قصد ارتکاب جرم علیه امنیت کشور حاصل گردد. اشتباه، شوخی و موافقت ظاهری بدون قصد اجرای توافق از موجبات مخدوش شدن رکن روانی و عدم تحقق بزه تبانی علیه امنیت کشور است.

بنابراین اگر کسی از روی شوخی یا آزمایش اعتقاد سیاسی طرف مقابل یا به تصور آن که عمل مورد توافق جرم نیست با دیگری توافق کند بزه تبانی علیه امنیت رخ نداده است [۱۵، ص ۲۲۳].  
توافق مشروط، بزه تبانی را محقق نمی‌سازد، بلکه در تبانی باید به طور منجز بر ارتکاب جرم توافق کنند. مرتکبین باید قصد توافق و تبانی و علم به جرم بودن موضوع توافق داشته باشند. بنابراین اگر مرتکب جاهل به موضوع باشد، اما بعد متوجه سوء نیت مرتکبین مبنی بر اخلال در امنیت کشور شود به علت فقد سوء نیت خاص، مرتکب جرم نشده است [۵۱، ص ۸۸].  
از نظر طبقه‌بندی جرائم و جایگاه بزه تبانی علیه امنیت، این جرم یک جرم آنی است؛<sup>۱</sup> زیرا

1. Classification of crimes

برای دیدن نظر مخالف ر ک: [۱۵، ص ۲۲۳]

همان لحظه که توافق حاصل می‌گردد، که قاعده‌تاً یک مقطع زمانی کوتاه است، بزه تبانی محقق می‌گردد. باید بین تحقق توافق و استمرار یا انقطاع آثار توافق در طول زمان فرق قائل شد. آثار حقوقی این بحث در تشخیص دادگاه صالح و مبدأ مرور زمان است. بنابراین، محل حصول توافق به عنوان محل وقوع جرم است و دادگاه این محل، صالح به رسیدگی است. مبدأ مرور زمان از لحظه توافق شروع می‌شود. رسیدگی به جرم تبانی علیه امنیت مطابق ماده ۵ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در صلاحیت دادگاه انقلاب است. بزه تبانی علیه امنیت، یک جرم عمدی است؛ زیرا بدون عمد اساساً توافق اولیه فرصت انعقاد پیدا نمی‌کند و بزه تبانی محقق نمی‌شود [۹، ص ۱۰].

شروع به تبانی قابل مجازات نیست زیرا قانونگذار به جرم بودن آن تصریح نکرده است. تبانی در جرم محال در سیستم حقوق ایران غیر قابل مجازات است [۱۰، ص ۲۲۴؛ ۱۱، ص ۲۳۱]. در حالی که در سیستم حقوق کیفری انگلیس، تبانی در جرم محال قابل مجازات است [۴۲، ص ۱۹۶].

### ۳- مجازات<sup>۱</sup>

علت جرم‌انگاری تبانی، افزایش خطرناکی جرائم گروهی و جمعی، کاهش احتمال بازگشت این دسته از مجرمین از مسیر مجرمانه، تهدید جدی جامعه، لزوم پیشگیری از صدمات آتی به حیات جامعه و پیچیدگی مبارزه اجتماعی با جرائم سازمان یافته بیان شده است [۱۳، ص ۲۵؛ ۱۵، ص ۸۷؛ ۵۲، ص ۴۲۱؛ ۵۳، ص ۲۵؛ ۵۴، ص ۷].

بر اساس ماده ۶۱۰ ق.م.ا. مجازات مرتکبین تبانی علیه امنیت کشور در صورتی که مشمول عنوان محاربه نباشند، عبارت از ۲ سال تا ۵ سال حبس است. چنانچه تبانی دو یا چند نفر عنوان محاربه به خود بگیرد، مرتکبین به مجازات محاربه مذکور در ماده ۱۹۰ ق.م.ا. محکوم می‌گردند. نکته قابل توجه آن است که آیا اساساً امکان تحقق چنین فرضی از نظر حقوقی وجود دارد؟ یعنی می‌توان افراد را صرفاً با تبانی محارب محسوب کرد؟ با عنایت به تعریف قانونی محاربه و با توجه به تعریف تبانی، اساساً از نظر ماهوی محارب دانستن تبانی‌کننده با شرایط تحقق محاربه مطابقت نمی‌کند. به عبارت دیگر از نظر تحلیل فقهی حقوقی

---

1. Punishment



تبانی کننده، محارب نیست، زیرا دست بردن به اسلحه شرط تحقق محاربه است؛ در حالی که تبانی بدون اسلحه محقق می شود. قانونگذار گاه مورد خاصی از تبانی را به عنوان محاربه یا به عبارت صحیح تر در حکم محاربه قلمداد کرده است و با وجود نص قانونی مجازات مذکور در ماده ۱۹۰ ق.م.ا. درباره مرتکبین اعمال می شود.

براساس ماده ۱۸۷ این قانون طرح ریزی و تهیه اسلحه و مواد منفجره و در اختیار قرار دادن امکانات مالی مؤثر یا وسایل و اسباب کار و سلاح محاربه قلمداد شده است. ماهیتاً عملکرد افراد مزبور عبارت است از اجتماع و توافق برای ارتکاب جرم علیه امنیت که همان تبانی است؛ اما قانونگذار با توجه به قصد مرتکبین که براندازی حکومت اسلامی و عملکرد آنها که تهیه اسلحه و مواد منفجره است عنوان محاربه به آن داده است. همچنین بزه ماده ۱۸۸ این قانون نیز ماهیتاً تبانی است، زیرا براساس یک توافق قبلی و با هدف انجام کودتا و براندازی حکومت، فردی با دیگران موافقت کرده که نامزد پست حساس در کودتایی باشد که ممکن است در آینده واقع شود. بدیهی است وقوع کودتا شرط تحقق بزه مذکور در این ماده نیست.

در فرض محاربه تلقی شدن تبانی، تعیین مجازات معاون او بر چه مبنایی است؟

ماده ۷۲۶ ق.م.ا. ملاک حداقل مجازات قانونی را برای مجازات معاون مقرر ساخته، اما این ماده صریحاً به جرائم تعزیری منحصر گردیده است. از سوی دیگر با توجه به تعزیری بودن معاونت در حدود و مستند به ماده ۴۳ ق.م.ا. که تعزیر تمامی معاونین در جرائم را اصولاً تصریح کرده است با لحاظ ماده ۷۲۶ ق.م.ا. و رعایت ماده ۱۹۰ و ۱۹۴ همین قانون که حداقل مجازات محارب را یک سال تبعید می داند، می توان مجازات قانونی معاون در تبانی مصداق محاربه را یک سال تبعید دانست. البته این استدلال ممکن است از منظر اصل قانونی بودن جرائم و مجازاتها با ایراد مواجه شود. همچنین بیانگر عدم جامع نگری و عدم رعایت تناسب بین جرم و مجازات و ایجاد تناقض از سوی مقنن است. بدین توضیح که مقنن در ماده ۶۱۰ قانون، مجازات تبانی کنندگان را بین ۲ سال تا ۵ سال حبس تعیین کرده؛ در حالی که در مواد ۴۹۸ تا ۵۱۲ و ۵۱۴ حداقل مجازات قانونی برای ارتکاب اصل جرم علیه امنیت کم تر از حداقل مجازات تبانی برای ارتکاب جرم علیه امنیت است. این امر از دیدگاه سیاست جنایی و عدالت کیفری قابل دفاع نیست، بلکه از آن جهت که به تبانی کنندگان جرأت ارتکاب اصل جرم، برای استفاده از مجازات خفیف تر را می دهد، خود به عنوان یک عامل جرمزا و مغایر با تأمین

امنیت کشور محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup> بنابراین کاهش حداقل میزان مجازات حبس برای بزه تبانی علیه امنیت به ۳ ماه حبس و در صورت تمایل قانونگذار بر عدم تبدیل الزامی به جزای نقدی، به ۳ ماه و یک روز اجتناب‌ناپذیر است.

همچنین از دیدگاه سیاست جنایی، معافیت از مجازات برای کسی که ارتکاب جرم علیه امنیت را قبول کرده و به افشای عملیات پرداخته اصولاً یک اثر پیشگیری دارد و باعث کشف جرم، قبل از ارتکاب و انصراف افراد می‌شود [۵۵، ص ۲۳]. لذا تصریح به معاذیر قانونی برای پیشگیری از وقوع و تسهیل در کشف این دسته از جرائم امر لازمی است که از دیدگاه مقنن پوشیده مانده است.

#### ۴- نتیجه‌گیری

از بررسی به عمل آمده درخصوص بزه تبانی علیه امنیت مشخص گردید، ماده قانونی فعلی نه‌تنها با موازین شرع مقدس اسلام، بلکه با عرف و رویه جاری و استانداردهای بین‌المللی در این زمینه مطابقت ندارد. بر این امر، نقیصه عدم توجه به داده‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی مطلوب در موضع‌گیری مقنن ایرانی را باید افزود. تعیین مجازات بدون جامع‌نگری و عدم توجه به آثار و تبعات آن در مقایسه با حالت‌های مختلف، موازین عدالت را خدشه‌دار ساخته است. نکات زیر را به عنوان پیشنهاد برای اصلاح وضعیت تقنینی مطرح می‌کنیم:

۱. با عنایت به قضیه مسجد ضرار و آیات مربوط و سنت نبوی در این خصوص، بزه تبانی علیه امنیت دارای مبنای شرعی است، اما با توجه به این‌که اصولاً صرف وسوسه عمل مجرمانه و سوء نیت در شریعت اسلامی، از جمله به دلیل حدیث رفع، جرم تلقی نمی‌گردد، تبانی عادی قابلیت دفاع شرعی به نحو مطلوب را ندارد. لذا شایسته است ضمن پذیرش جرم‌انگاری تبانی علیه امنیت از تبانی عادی، جرم‌زدایی گردد.

۲. با توجه به منابع شرعی، صرف تبانی را نمی‌توان محاربه تلقی کرد. لذا تعبیر «در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد» از ماده قانونی حذف شود.

۳. با عنایت به موازین کلی اسلام در باب جرم و نیز رویه نظام حقوق نوشته لازم است

۱. حداقل مجازات قانونی جرائم مذکور در مواد ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۸، ۵۱۰، ۵۱۱ و ۵۱۴ به ترتیب ۳ ماه، ۳ ماه، یک‌سال، یک‌سال، شش‌ماه و شش‌ماه است.



- «نمود عینی» به عنوان شرط تحقق بزه تبانی در تعریف قانونی ذکر شود.
۴. حرف «یا» در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی تبدیل به «و» شود.
۵. دامنه جرم‌انگاری تبانی مضیق‌تر شود، بدین صورت که تشکیل سازمان مجرمانه به هدف ارتکاب جرم، بزه تبانی تلقی گردد.
۶. همکاری مرتکبین با قضات و ضابطین به عنوان معاذیر قانونی تلقی شود.
۷. در میزان مجازات تبانی علیه امنیت تغییر جدی اجتناب‌ناپذیر است. حذف مجازات محاربه، کاهش حداقل میزان حبس به سه ماه و ۱ روز پیشنهاد می‌گردد.
۸. ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی به این شرح اصلاح گردد: «هرگاه گروهی سازمان یافته، توافق نمایند جرمی ضد امنیت کشور مرتکب شوند و وسایل ارتکاب آن را فراهم سازند به سه ماه و یک روز تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد. چنانچه اشخاص مذکور قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم آگاه کنند یا در ضمن تعقیب موجبات تسهیل کشف و تعقیب سایرین را فراهم آورند، در مجازات آن‌ها تخفیف مناسب داده می‌شود و در صورت لزوم از مجازات معاف خواهند شد. احراز توبه قبل از دستگیری موجب سقوط مجازات می‌گردد».

## ۵- منابع

- [۱] دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۷.
- [۲] معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲.
- [۳] عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۹.
- [۴] حبیوم، فرهنگ انگلیسی - فارسی، یک جلدی، تهران، نشر فرهنگ معاصر، ۱۳۷۰.
- [5] Cambridge, *Learner's Dictionary*, Cambridge University press, 2004.
- [6] *Oxford Learner's Pocket Dictionary*, Tehran, Vazheh, 1381=2003.
- [7] Collins Cobuild, *English Dictionary for Advanced Learners*, Harper Collins Publishers, 2001.
- [8] Black's Law Dictionary, 8<sup>th</sup> ed., United States of America, Thomson west, 2004.

- [۹] پیمانی، ضیاءالدین، جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی، تهران، میزان، ۱۳۷۴.
- [۱۰] نوربها، رضا، زمینه حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۴.
- [۱۱] اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، میزان، ۱۳۷۹.
- [۱۲] حبیب زاده، محمد جعفر، کلاهبرداری در حقوق ایران، تهران، شاهد، ۱۳۷۴.
- [13] Clarkson.C.M.V, *Understanding Criminal Law*, London Fontana Press, 2005.
- [14] Scheb, John, *Criminal Law*, Tehran, Dadgostar, 1994.
- [۱۵] میر محمد صادقی، حسین، جرائم علیه امنیت و آسایش، تهران، میزان، ۱۳۸۳.
- [۱۶] قانون مجازات فرانسه، ترجمه محمد رضا گودرزی، تهران، مرکز مطالعه توسعه قضایی، ۱۳۸۶.
- [۱۷] فلچر، جورج پی، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، مهدی سیدزاده ثانی، مشهد، دانشگاه رضوی، ۱۳۸۴.
- [18] Criminal Manual, *The Indian Penal Code*, Universal Law Publishing Co., 2005.
- [۱۹] عبدالملک، جندی، الموسوعه الجنائیه، ج ۲، بیروت، دارالحياء التراث العربی، ۱۹۸۹.
- [۲۰] وستبروک، ریموند، تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، ترجمه حسین نجفی ابرندآبادی، تهران، سمت، ۱۳۸۳.
- [۲۱] زرنگ، محمد، تحول نظام قضایی ایران، ج ۱، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
- [۲۲] دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه احمد آرام، تهران، سازمان آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۶۷.
- [۲۳] مشیرالدوله (پیرنیا)، حسن، تاریخ ایران باستان، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- [24] Hampton, Celia, *Criminal Law and Procedure in a nutshell*, London, 1968.
- [۲۵] رمضان‌دیگران، نکات مهم حقوق جزای انگلستان، تهران، انتشارات حقوق، ۱۳۷۶.
- [۲۶] شهید اول، القوائد و الفوائد، ترجمه مهدی صانعی، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۲.
- [۲۷] فیض، علیرضا، مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلامی، ج ۱، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۹.

- [۲۸] عوده، عبدالقادر، *التشريع الجنایی*، ج ۲، ترجمه ناصر قربان نیا، تهران، میزان، ۱۳۷۳.
- [۲۹] رازی، ابوالفتح، *تفسیر روح الجنان و روح الجنان*، ج ۲، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴.
- [۳۰] طباطبایی، محمدحسین، *تفسیر المیزان*، ج ۹، ترجمه موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.
- [۳۱] میبیدی، رشیدالدین، *کشف الاسرار و عده الابرار*، ج ۴، امیر کبیر، ۱۳۶۱.
- [۳۲] خرمشاهی، بهاء الدین، *دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی*، ج ۲، تهران، ناهید، ۱۳۷۷.
- [۳۳] محقق داماد، سید مصطفی، *قواعد فقه جزایی*، تهران، نشر علوم اسلامی، ۱۳۸۱.
- [۳۴] عاملی، حر، *وسائل الشیعه*، ج ۱۹، تهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۲.
- [۳۵] مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، ج ۷۲، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳.
- [۳۶] طوسی، ابوجعفر، *استبصار*، ج ۳، لبنان، دار الاضواء، ۱۹۸۵.
- [۳۷] محمدی، ابوالحسن، *مبانی استنباط حقوق اسلامی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
- [۳۸] خراسانی، محمد کاظم، *کفایه الاصول*، ج ۱، ایران، بی نا، بی تا.
- [۳۹] جعفری لنگرودی، محمد جعفر، *مکتبهای حقوقی در حقوق اسلام*، تهران، گنج دانش، ۱۳۸۲.
- [۴۰] \_\_\_\_\_، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، ج ۵، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.
- [41] Ashworth, Andrew, *Principles of Criminal law*, Clarendon Press, London, 1991.
- [42] Elliott, Catherine and Quinn Frances, *Criminal Law*, London, Dorset press, 2000.
- [۴۳] حبیب زاده، محمدجعفر، *توحیدی فرد، محمد؛ قانون مداری در قلمرو حقوق کیفری*، تهران، نشر دادگستر، ۱۳۸۶.
- [۴۴] بازارگاد، بهاء الدین، *تاریخ فلسفه سیاسی*، ج ۴، ج ۳، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵.
- [۴۵] حسن بیگی، ابراهیم، *حقوق و امنیت در فضای سایبر*، تهران، ابرار معاصر، ۱۳۸۴.



[۴۶] آزمایش، علی، «زمینه‌های حقوق جزای بین‌المللی در قانونگذاری ایران»، مجله حقوق تطبیقی، ش ۳، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶.

[۴۷] گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، ج ۱، جهاد دانشگاهی تهران، ۱۳۷۲.

[۴۸] مؤمنی، مهدی، مبانی حقوق جزای بین‌المللی ایران، تهران، شهر دانش، ۱۳۸۸.

[۴۹] حبیب زاده، محمدجعفر، محاربه در حقوق کیفری ایران، تهران، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۹.

[50] Dadgostar, University of London Bordon strven, criminal law, 1995.

[۵۱] عالی، سمیر، الوجیز فی شرح الجرائم الواقعه علی امن الدوله، بیروت، مؤسسه الجامعیه للدراسات و النشر و التوزیع، ۱۹۹۹.

[۵۲] گلدوزیان، ایرج، حقوق جزای اختصاصی، چ ۶، تهران، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۸.

[۵۳] نجفی ابرندآبادی، حسین، «جرائم سازمان یافته»، جزوه درسی دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۹-۱۳۸۰.

[۵۴] \_\_\_\_\_، «بحران سیاست‌های جنایی کشورهای غربی»، مجله تحقیقات حقوقی، ش ۱۰، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۱.

[۵۵] استفانی، گاستون و دیگران، حقوق جزای عمومی، ج ۱، ترجمه حسن دادبان، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۳.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی